

تحلیل دریافت پیام‌های شبکه ماهواره‌ای نوروز: مطالعه موردی زنان کرد ایلامی

چکیده

این مقاله به دنبال تحلیل نتایج مربوط به مطالعه انتقادی چگونگی دریافت زنان کرد ایلامی از مستندهای جنگی گروه پ.ک.ک. است که از شبکه ماهواره‌ای کرد زبان نوروز تی وی پخش می‌شود. مطالعه حاضر از سنت مطالعات فرهنگی پیروی کرده و چارچوب نظری آن بر اساس ترکیبی از نظریه انتقادی دریافت و نظریه‌های هویت قومی است. مسئله این مطالعه به برنامه‌های ماهواره‌ای قومی مربوط می‌شود که تلاش می‌کنند به مخاطبان گروه‌های قومی این نکته را منتقل سازند که از طریق این شبکه‌ها قادرند هویت قومی خویش را بازیابند. در این مقاله، از روش تحقیق کیفی و فن مصاحبه با گروه‌های کانونی با ۲۴ نمونه استفاده می‌کند، تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا در گفتمان برنامه‌های ماهواره‌ای، نقش زنان کرد ایلامی در بازسازی هویت قومی به‌عنوان تسهیل‌کننده است یا مقاومت‌کننده؟ برخی از یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه، در بیشتر موارد با گفتمان مسلط متن، که همان گفتمان کردگرایی است، وارد گفتگو می‌شوند، ولی ایده‌هایی که در شبکه بازتاب می‌یابند را به شکل تخالفی رمزگشایی می‌کنند. این یافته‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ است اما آنها را با مشاهدات خودمان در زمستان ۱۳۹۴ و سال ۱۳۹۵ مقایسه کردیم که نتایج آن در این مقاله منعکس می‌شود.

واژگان کلیدی: کردگرایی، موقعیت سوژگی، ایلام، زنان کرد، زنان معارض.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال ششم • شماره بیست و دوم • بهار ۹۶ • ۴۷-۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۱۲

۱. مقدمه

در مطالعاتی که تاکنون در مورد گروه‌های قومی و مسائل آنها انجام شده، به مسئله زنان و چگونگی دریافت آنها از متون غیر عامه‌پسند، نظیر متون مربوط به هویت قومی توجه شایانی نشده است. در مقاله حاضر سعی شده تا رفتارهای فرهنگی گروه‌هایی که معمولاً در تحلیل‌های علوم اجتماعی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، از جمله زنان کرد ایلامی و خوانش آنها از پیام‌های شبکه تلویزیونی نوروژ به حوزه مطالعه در آید. این مقاله نتیجه پژوهشی درباره نگرش زنان کرد ایلامی نسبت به رسانه‌های ماهواره‌ای، از جمله شبکه نوروژ است که در ارتباط با هویت قومی کردها فعالیت می‌کنند. در آغاز لازم است توضیح دهیم که هویت قومی یکی از عوامل شکل‌دهنده به هویت فرهنگی هر جامعه‌ای، از جمله جامعه ایران است. با این حال به منظور تمرکز، میدان تحقیق را جامعه کرد ایلام در نظر گرفته‌ایم. بر همین سیاق، هویت فرهنگی را نیز باید بخشی از هویت اجتماعی دانست که بر پایه تمایز فرهنگی قرار دارد (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). از سوی دیگر، هال^۱ (۱۹۹۶) در مقاله «چه کسی به هویت نیاز دارد؟» که در کتاب چستی هویت فرهنگی آمده، به هویت پست مدرن اشاره می‌کند، یعنی همان هویتی که دیگر ماهیتی ذاتی، ثابت و متمرکز ندارد. این نوع هویت، در عوض مقوله‌ای سیاسی محسوب می‌شود که به‌طور مداوم از طریق نظام‌های فرهنگی محاط بر او بازنمایی شده، شکل گرفته و تغییر می‌کند (هال، ۱۳۸۳ الف و ب؛ ابادری و شله‌لی، ۱۳۸۷). هال همچنین بر فرآیندهای جهانی شدن در بر ساخته شدن این هویت‌ها صحه می‌گذارد. به تعبیر هال، جهانی شدن از طریق خاص‌گرایی عمل می‌کند، فضاهای خاص و قومیت‌های خاص به وجود می‌آورد و هویت‌های خاص را بسیج می‌کند (هال، ۱۳۸۳؛ استوری، ۱۳۸۵: ۳۳۴). این هویت مبتنی بر تفاوت است و از خلال آن تأکید ویژه‌ای بر مسائلی چون قومیت و جنسیت می‌شود (هال، ۱۳۸۳ الف و ب؛ ابادری و شله‌لی، ۱۳۸۷).

قومیت، در این معنا هویتی جمعی شامل افرادی با ارزش‌های مشترک می‌شود. در این راستا، اعضای هر گروه برای آنکه بدانند چه کسی هستند، نیاز دارند بدانند که چه کسی نیستند (خوبروی پاک، ۱۳۸۰). در چنین وضعیتی است که نقش رسانه‌های جهانی را باید در این آگاهی‌بخشی مورد توجه قرار داد و این، آن چیزی است که ما در این مقاله به آن می‌پردازیم.

حوزه مورد مطالعه، مسائل قومیتی ایران است، اما میدان تحقیق، کردهای شهر ایلام هستند. چرا که ایران یکی از ده کشور نخستین است که از امتیاز کثرت قومی یا هویت‌های قومی متعدد برخوردار بوده، ضمن آنکه همواره با تراکم مطالبات قومی و به تبع آن، تعارضات قومی روبرو بوده است. قوم کرد یکی از پنج قوم بزرگ ایران است که ارتباط آن با دولت‌های مرکزی هر از گاهی با مشکلاتی همراه بوده و تحولاتی سیاسی را به دنبال داشته است. با وجود آنکه در دو دهه اخیر تلاش‌هایی برای رشد اقتصادی و کاهش تنش‌ها در این مناطق شده است، ولی این مسئله کماکان از حیث سیاسی و مطالعات علمی اهمیت فراوان دارد؛ چرا که یک مسئله راهبردی برای کشور محسوب می‌شود.

نکته دیگر آنکه، کردها اولین قوم در جهان هستند که تلویزیون‌های ماهواره‌ای را با هدف خاص قومی به کار برده‌اند. این قوم از ابزارهای رسانه‌ای برای تقویت هویت قومی استفاده کرده است (رسولی، معروفی و خوانچه سپهر، ۱۳۹۲). با توجه به موضوع مقاله حاضر و اینکه مستندهای ماهواره‌ای حزب پ.ک.ک. به‌عنوان متن رسانه‌ای مورد

مطالعه در نظر گرفته شده‌اند، همچنین به دلیل تقارن زمانی پخش مستندهای مذکور و پیوستن برخی از کردهای ایلام به حزب مذکور (به‌خصوص در سال‌های دهه ۱۳۸۰)، به معرفی این حزب و ارگان رسانه‌ای کنونی آن یعنی شبکه ماهواره‌ای نوروز می‌پردازیم.

حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک.) توسط عبدالله اوج‌آلان در پاییز ۱۹۷۸ برای مقابله با سرکوب کردهای ترکیه، علیه دولت ترکیه تأسیس شد. این حزب از مهم‌ترین گروه‌هایی است که مبارزه با دولت ترکیه را حول محور مارکسیسم و همگرایی کردی سازمان داده و رهبری می‌کند و در میان احزاب کرد منطقه، شاید تنها حزبی است که شعار استقلال کردستان و تشکیل یک کشور مستقل کرد را رسماً در چارچوب تشکیلات خود وارد کرده و به آن معتقد است (حق‌پناه: ۱۳۷۸). پ.ک.ک. توانسته است با علم کردن پرچم استقلال کردستان، بهره‌گیری از تبلیغات و شیوه‌های رادیویی و راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای تلویزیونی به نام «ماد تی وی» و شعارهای داغ و انقلابی مارکسیستی، نظر بسیاری از جوانان و نوجوانان کرد را در کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه به خود جلب کند (همان).

در ضمن این گفتمان تنها در جهت مثبت‌گرایی در میان کردها پیش نرفته، بلکه مقاومت‌هایی نیز در برابر آن صورت گرفته که لازم است بدان‌ها توجه شود. به همین دلیل، اهداف دیگری نظیر شیوه برخورد زنان و مادران ایلامی با پیام‌های این شبکه‌ها و چگونگی مقابله با این پیام‌ها برای حفظ فرزندان خویش نیز در اینجا مدنظر است.

بر این اساس، در اینجا لازم است آن بخش از اثرات این فرآیند که در استان ایلام رخ داده را مورد ارزیابی قرار دهیم.

۲. گفتمان کردگرایی در ایلام

ظهور عبدالله اوج‌آلان، به‌عنوان مؤسس و رئیس حزب کارگران کردستان ترکیه و صدور بیانیه و نقشه سرزمینی و جغرافیایی کردستان بزرگ، که تا آن روز و در جریان فعالیت دیگر گروه‌ها و احزاب استقلال‌طلب کرد بر آن تأکید نشده بود، اوضاع را دچار تغییر کرد. در این بیانیه، کردهای جنوب که شامل کرمانشاه و به‌طور ویژه ایلام هستند، بسیار تکریم شده بودند، اما همچنان تحریک سیاسی و قومی مشهودی در ایلام صورت نگرفته بود.

سرانجام خبر دستگیری اوج‌آلان در بهمن ماه ۱۳۷۷ به‌عنوان تیر مهم رسانه‌های گروهی جهان قرار گرفت و اوایل اسفند همان سال بازتابی به شکل ناآرامی در برخی شهرهای کردنشین داشت (حق‌پناه: ۱۳۷۸). همزمان با این اتفاقات، عده‌ای از روشنفکران و نخبگان محلی نیز فعال شده و اقداماتی را جهت جذب افراد محلی، به‌ویژه جوانان و در قالب تشکیلات جدید انجام دادند. بدین ترتیب کردنشینان ایلام نوعی احساس تازه در بازگشت به هویت کهنه‌شده خود یافتند، به‌گونه‌ای که تعدادی از پسران و با نسبت کمتری دختران منطقه، به عضویت در حزب مذکور اقدام نموده و یا به‌منظور مبارزه مسلحانه راهی کوهستان‌های شرق ترکیه شدند. بدین ترتیب، منطقه ایلام نوعی تحریک سیاسی جدید را تجربه کرد.

اکنون در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، و پس از گذشت نزدیک به دو دهه از اتفاقات مذکور، و به نتیجه نرسیدن مذاکرات گروه پ.ک.ک. با دولت ترکیه معارضه نظامی دولت ترکیه و این گروه از سر گرفته شده است. صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر حزب دموکراتیک خلق در ترکیه طی اظهاراتی که در بین هواداران حزب دموکرات و سایر گروه‌های کرد در دیاربکر داشت، خواهان ایجاد منطقه خودمختار کردنشین شد. او در این اظهارات به تزییع حقوق قانونی کردها از جانب دولت ترکیه اعتراض کرد. به همین دلیل دادگاهی در استانبول، که اظهارات وی را تحریک‌آمیز و جدایی‌طلبانه خوانده بود، برای او حکم پیگرد قانونی صادر کرد. متعاقب این موضوع برخی از کردنشینان ایلام کمپین‌های حمایت از دمیرتاش را به شبکه‌های اجتماعی موبایل گشاندند و تا حدود زیادی هواخواهی خود را در بخشی از حوزه عمومی که اکنون در شبکه‌های اجتماعی جاریست، به نمایش گذاشتند. واکنش کردهای ایلام نسبت به سال‌های گذشته اکنون تغییر

کرده است. برای نمونه، در واکنش به تحولات ترکیه، بسیاری از مردم ایلام و شاید سایر کردها تمایلی به سفر تفریحی به ترکیه نشان نمی‌دهند؛ چراکه آن را کمک به گردشگری و ریختن پول به جیب دولت ترکیه می‌دانند. برخی دیگر نیز کالاهای ترکیه را نمی‌خرند. اما به جرات می‌توان گفت که دیگر روانه کوهستان‌های ترکیه برای مشارکت در این معارضه نمی‌شوند. در حالی که این اقدامی بود که پیش‌تر داوطلبانه و هنگام خبر ربوده شدن عبدالله اوچالان توسط دولت ترکیه در دهه ۱۳۷۰، و یا حمله گروه داعش به کوبانی و سنجار در سال‌های اخیر انجام می‌دادند و برخی از آنان حتی سرپرستی کودکان به جامانده از جنگ کوبانی و سنجار و دیگر مناطق کردنشین عراق و سوریه را به عهده گرفتند. همان‌طور که گفته شد، یکی از عناصر مهم تقویت این فرآیند، بُعد رسانه‌ای آن بوده است. از سال ۱۳۷۸ و به دنبال فعالیت شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای ماد، کانال‌های ماهواره‌ای دیگری نظیر شبکه نوروز فعالیت خود را در این زمینه آغاز کردند. از آن زمان تاکنون شبکه ماهواره‌ای نوروز برنامه‌های متعددی به منظور جلب توجه و حمایت کردهای منطقه و جذب نیروهای تازه نفس ارائه کرده است. از مهم‌ترین برنامه‌هایی که در آن نمایش داده می‌شود می‌توان به گزارش‌های تصویری مستند از معارضین پ.ک.ک. ساکن در کوهستان و جنگ‌های نامنظم آنان اشاره کرد. در این گزارش‌ها، زنانی نمایش داده می‌شوند که همپای مردان و به سبک و سیاق و کیفیت آنان، به زندگی مبارزاتی می‌پردازند. در این مستندها، زنان نه به شکل گروه حاشیه‌ای و یا فرودست بلکه در فرصتی برابر از لحاظ توانایی با مردان به تصویر کشیده می‌شوند. باید دانست که فارغ از آنچه در پس پرده این گروه‌های معارض می‌گذرد، بازتاب این اهداف معارضه‌جویانه و رسانه‌ای (همچون نوروز تی وی)، در جمعیت زنان کردی که مادران، خواهران یا نزدیکان افرادی هستند که به این گروه‌ها جذب شده‌اند، تبعات و واکنش‌هایی داشته که تاکنون ارزیابی علمی نشده است. ارزش علمی مقاله پژوهشی حاضر از این منظر نیز قابل ارزیابی است که در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ گروه پ.ک.ک. فعالیت نظامی خود در ترکیه را شدت بخشید. این مقاله پژوهشی قصد دارد چگونگی دریافت و تفسیر زنان مخاطب از مستندهای جنگی گروه مذکور، که مبارزین زن نیز در آنها حضور فعال دارند را با توجه به زمینه فرهنگی - اجتماعی‌شان، مطالعه کند. ما مطالعه این خوانش را بر اساس ترکیب مفاهیم مربوط به هویت و نظریه دریافت و با استفاده از سنت مطالعات فرهنگی انجام می‌دهیم.

۳. مباحث نظری: خوانش مستندهای تلویزیونی شبکه نوروز توسط زنان کرد ایلامی

پیش از هر چیز ابتدا به بحث‌های مربوط به هویت می‌پردازیم. مفهوم هویت مجموعه و منشوری از تعریف‌هایی است که پیوسته در حال دگرگونی از وضعی به وضعی دیگر است. هویت را می‌توان همچون یک فرآیند در نظر داشت؛ در واقع می‌توان گفت هویت فرد هیچ‌گاه یک موضوع تمام و حل شده نیست (قادری، ۱۳۸۶: ۷).

هویت در سه دوره سنتی، مدرن و پست مدرن معانی و بازتاب‌های اجتماعی متفاوتی داشته است. در جوامع سنتی و پیشامدرن، هویت چندان پیچیده و مسئله‌ساز نبود، به این دلیل که هویت فرد در رابطه با مجموعه‌ای از شاخص‌ها و به طور کلی معیارهای از پیش تعیین شده و مورد قبول همگان صورت می‌پذیرفت (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۴۳). با توجه به معیارهای مدرنیستی نیز هویت به مثابه دیالکتیک درونی - برونی قابل شناسایی است و برپایه آن افراد در ارتباط با دیگران شناخته می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱؛ صالحی امیری، ۱۳۸۸). بی‌گمان این شناخت از خود و دیگری، جز در پرتو یک فرآیند معناسازی ممکن نمی‌شود. به تعبیر «مانوئل کاستلز»، هویت‌ها، معانی کلیدی‌اند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خویش حساس می‌شوند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۰؛ تاجیک، ۱۳۷۶).

در وضعیت پست مدرن، هویت‌های کلان تجویزی، یکپارچه و واحد به تدریج رنگ می‌بازند و در بستر مناسبات

کثرت گرایانه، نسبی و دائماً در حال تغییر، قاطعیت خود را از دست می‌دهند و جای خود را به هویت‌های خرد، بومی و ... سرکوب‌شده و به حاشیه رانده‌شده سابق می‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۸۸). در همین رابطه لازم است گریزی به مفهوم هویت قومی بزنیم.

«هویت قومی» شامل مجموعه‌ای از عوامل ذهنی و عینی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن گروه را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد (الطائی، ۱۳۸۲: ۱۵۸). بارت (کوش، ۱۳۸۲) معتقد است که تفاوت‌های فرهنگی، هویت‌های گروهی را می‌سازند و بر این اساس، هویت‌های قومی با ترسیم مرزهایی برای خود، در وضعیت‌های تاریخی، اقتصادی، سیاسی و تعاملی ساخته می‌شوند و این مرزها در ارتباط با چیزی یا گروهی و به‌طور کامل یک «دیگری» ساخته و پرداخته می‌شوند.

جمع‌بندی نظری تا بدین جا بر این امر تأکید دارد که هویت‌های قومی نادیده گرفته شده و همچون سایر هویت‌ها با آن رفتار نشده است. در عین حال، هویت‌های قومی براساس درک و احساس فرد یا افراد به شکل تظاهر فردی یا جمعی بروز می‌کنند. اما وجه تمایز هویت قومی با سایر هویت‌ها در این است که شکل بروز آن سیاسی است. در بحث زیر این جمع‌بندی را به عنصر دیگری که این هویت‌سازی را تشدید می‌کند پیوند می‌زنیم تا به لحاظ نظری آن را برای ساخت یک سنتز نظری شفاف‌تر سازیم و ربط آن را به پدیده مقاومت زنان ایلامی در مقابل پیام‌های تلویزیونی معارضه‌جویانه تشریح نظری کنیم تا بعداً در بخش تحلیل‌ها آن را به لحاظ تجربی نیز مستند کنیم.

۴. ارتباطات رسانه‌ای جهانی و هویت قومی

با گسترش «فضاهای رسانه‌ای جهانی قومی» از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای و ارتباطات اینترنتی همواره این گزینه برای گروه‌های قومی وجود دارد که در صورت ناخرسندی از رسانه‌های جمعی کشور خود به رسانه‌های برون مرزی که به زبان آنها سخن می‌گویند و فرهنگ گروه قومی ایشان را ترویج می‌کنند، روی آورند و از چنین فضاهایی برای برساختن هویت‌های قومی خود بهره بگیرند (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). این در حالیست که کردها با سایر اقوام فلات ایران فرهنگ تاریخی و حافظه جمعی مشترک داشته و ایرانی بودن خویش را باور دارند. بنابراین باید مسائل هویتی آنان را با رویکردهای نظری قوی‌تری تبیین کرد که پاسخی باشد برای رویکردهای سیاسی - نظری واگرایانه‌ای که کفایت تجربی ندارند. چنین رویکرد قوی کمک می‌کند تا راهکارهایی برای اتحاد اقوام ایرانی پیشنهاد کنیم. مایلیم این کار را ابتدا با مطالعه این برنامه‌ها و با استفاده از تبیین نظری «دریافت» آغاز کنیم.

۵. کاربرد نظریه دریافت در تبیین خوانش زنان کرد از زندگی معارضین در مستندهای ماهواره‌ای

سنت مطالعات فرهنگی با درکی از رسانه‌ها، به‌عنوان جزئی از نظام ایدئولوژیک عمل می‌کند. مخاطبین در این سنت، همچون سنت مارکسیستی (Hudis, 2012) یا سوسوری تنها ابژه‌های بی‌اختیار اجتماعات یا قالب‌های زبانی نیستند. در عوض، در سنت مطالعات فرهنگی، مخاطبین به‌صورت فردی و جمعی، سوژه‌هایی هستند که از طریق ارتباط با دیگران زندگی خود را معنادار می‌کنند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۸). در اینجا، این ارتباط در صورتی معنابخش می‌شود که در چارچوب مرزهای هویتی برقرار شود و در عین حال به تقویت و تحکیم چنین مرزهایی کمک کند. آثار مطالعات فرهنگی تأکید بر چندصدایی بودن یا چندمعنایی بودن متن‌ها دارند؛ چیزی که در مباحث استوارت هال بر آن تأکید می‌شود. از نظر هال، ممکن است در یک متن، مطالب خواندنی ممتازی وجود داشته باشد، اما مخاطبان احتمالاً به مطالب خواندنی جایگزین یا حتی متضاد در یک متن برمی‌خورند (موکرجی و شودسون، ۱۳۸۸). از نظر این دیدگاه، مخاطبان در چنین شرایطی، در رمزگشایی معنای متون رسانه‌ای تحت تأثیر شرایط و موقعیت‌های ویژه، و مهم‌تر از همه تحت تأثیر هویتشان هستند. در سنت مطالعات فرهنگی، مصرف‌کنندگان متون فرهنگی و چگونگی خوانش این متون توسط آنها از

اهمیت ویژه‌ای در فهم فرهنگ عامه و عناصر متعدد آن برخوردارند. این رویکرد اساساً مبتنی بر مدل «رمزگذاری و رمزگشایی» استوارت هال است که آن را در مقاله‌ای با همین عنوان مطرح کرده است (استیجر، نقل در ابادری و شهلی‌بر، ۱۳۸۷).

پرسش هال در مقاله رمزگذاری/رمزگشایی چنین بود: برنامه‌های تلویزیونی تا چه حد می‌توانند سوژه را شکل دهند و سوژه‌ها تا چه اندازه می‌توانند در برابر معناها و رمزگان‌های رسانه مقاومت ورزند؟ هال جایگاه نخست را «جایگاه مسلط هژمونی‌دار» می‌نامد و اعتقاد دارد این جایگاه زمانی حادث می‌شود که بیننده معنای تلویحی مثلاً اخبار یا برنامه‌های ارزیابی رویدادهای جاری را بی‌درنگ و به‌طور کامل دریابد (استوری، ۱۳۸۵: ۳۵). در چنین وضعیتی می‌توان گفت که بیننده در چارچوب رمزگان مسلط واکنش نشان می‌دهد. دومین جایگاه رمزگشایی عبارت است از «جایگاه یا رمزگان جرح و تعدیل شده» که شاید بتوان آن را جایگاه اکثریت نامید (هال، ۱۳۸۳ الف و ب؛ همچنین نقل در استوری، ۱۳۸۵). در این جایگاه نیز اگرچه مخاطب با متن کلنجار می‌رود اما به احتمال زیاد خوانش قراردادی متن را می‌پذیرد و خودش کمتر در تولید معنای متن دخالت می‌کند. سرانجام، سومین جایگاهی که هال نام می‌برد، «رمزگان تقابلی جو» یا تخالفی است. این جایگاه را بیننده‌ای اتخاذ می‌کند که رمزگان مرجح گفتمان متن را تشخیص می‌دهد، با این حال تصمیم می‌گیرد که گفتمان موردنظر را در چارچوبی بدیل رمزگشایی کند (همان). این بدان معناست که امکان عدم انطباق پیام‌های رسانه‌ای رمزگذاری شده توسط سازمان تولید و پیام‌های رمزگشایی شده، توسط مخاطب فراهم می‌شود و مخاطب می‌تواند معنای خودش را به متن بیفزاید.

رویکرد نظری مقاله بر نوع سوم از سازوکار رمزگذاری و رمزگشایی مخاطبان زن کرد ایلامی از شبکه ماهواره‌ای نوروز استوار است. این در حالی است که برخی از زنان کرد ایلامی ممکن است به گفتمان مرجح و رمزگشایی تعدیل یافته نیز پردازند. سنتز نظری مقاله ترکیبی از مفهوم هویت، سازوکار مقاومت، کاربرد رسانه در برساخت باورها و نیز دریافت مخاطب است.

بنابراین لازم است این سنتز نظری و رویکرد را در رابطه با گروه مورد مطالعه این مقاله بیشتر واکاوی کنیم. بر این اساس، مطالعه تفسیر و نگرش زنان ایلامی نسبت به بازنمایی زنان در نقشی جدید، که توسط مستندهای شبکه نوروز ارائه می‌شود، امری مورد توجه در این تبیین نظری است. با عنایت به مطالب فوق، در مقاله پژوهشی حاضر بنا داریم دریافت زنان کرد ایلامی را از این نقش جدید بیازماییم. تجربه زیسته یکی از نویسندگان این مقاله که با رویکرد روش‌شناسی امیک (نگاه از درون) صورت گرفته چنین می‌نماید که زنان کرد ایلامی هویت خویش را در پیکربندی جامعه ایرانی معنا می‌کنند و با همین رویکرد به خوانش تخالفی از متون رسانه‌ای شبکه نوروز روی می‌آورند. در سال‌های نخستین دهه ۱۳۹۰ همین رویکرد هویتی و همین فرآیند معناسازی سبب شد تا مادران و زنان ایلامی تعداد زیادی از دختران و جوانان ایلامی را از آثار تبلیغاتی این شبکه محفوظ بدارند و آنان را به خانواده و جامعه ایرانی بازگردانند.

۶. روش‌شناسی پژوهش

در بحث نظری نشان دادیم که در نظریه دریافت، با تفسیر متن توسط مخاطبان زن ایلامی مقاومت گرا سروکار داریم که در مقابل پیام‌های شبکه ماهواره‌ای نوروز رمزگشایی تخالفی انجام می‌دهند. از آنجایی که روش پژوهش کیفی بر دیدگاهی تفسیرگرایانه مبتنی است (White, 2006) مبنای روش‌شناختی پژوهش حاضر قرار گرفته است. در این پژوهش به منظور مطالعه تعامل بین مستندهای جنگی گروه پ.ک.ک. و گروه‌های متشکل از زنان کرد ایلامی و نحوه رمزگشایی آنها در رابطه با این مستندها از فن «مصاحبه متمرکز» یا گروه کانونی استفاده شده است. مصاحبه با گروه‌های کانونی را به منظور دستیابی به ذهنیت مشترک زنان کرد ایلامی در ارتباط با دریافت‌شان از برنامه‌های شبکه نوروز به کار بردیم. چراکه این روش به ذهنیت یک فرد خاص محدود نمی‌شود، بلکه برآیند تعاملی

ذهنیت افراد را ارزیابی می‌کند (ال. برگ، ۱۳۸۹: ۸).

کردهای ایلام عمدتاً شیعه‌اند، اما از آنجایی که زبان کردی عامل مهمی است که به آنها هویت خاصی داده و فعالان قومی مورد مطالعه ما از خلال آن وارد کنش‌های قومیت‌خواهی شده‌اند، از این جهت، متغیر مذهب را لحاظ نکرده‌ایم. همچنین با توجه به اینکه آمار دقیقی از مصرف مردم منطقه از کانال ماهواره‌ای نوروز در دست نبود، انتخاب نمونه به گونه‌ای صورت گرفت که ویژگی‌های مورد نظر تا حد امکان تأمین شود. از آنجایی که در این پژوهش، معیار ما برای انتخاب نمونه بر اساس روش آماری و تصادفی نبوده و نمونه‌گیری به شکل نظری و هدفمند و به روش استراتژیک انجام گرفته است، بنابراین قصد نداریم یافته‌های حاصل از نمونه‌های این تحقیق را با اطمینان به جامعه آماری تعمیم دهیم (طیبی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۴ و ۱۹۱). این شیوه به جای تکیه بر شرط معرف بودن تجربی و اعتبار بیرونی بر پایه‌های نظری استوار است (محمدی و ارمکی، ۱۳۸۵: ۱۳).

با توجه به اینکه آمار دقیقی از مصرف مردم منطقه از کانال ماهواره‌ای نوروز در دست نبود، انتخاب نمونه به گونه‌ای صورت گرفت که ویژگی‌های مورد نظر تا حد امکان تأمین شود. در این پژوهش، معیار ما برای انتخاب نمونه بر اساس روش آماری و تصادفی نبوده است، بلکه نمونه‌گیری به شکل نظری و هدفمند و به روش استراتژیک به شکلی که شرح می‌دهیم انجام گرفته است.

ملاک اصلی انتخاب نمونه‌ها در مرحله اول، زن بودن شرکت‌کنندگان در مصاحبه، در مرحله دوم پابندی به عناصر هویتی کردی نظیر تکلم به زبان کردی و پوشش کردی و در وهله سوم، تجربه تماشای برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای نوروز بوده است. نمونه‌ها از چهار منطقه از شهر ایلام و توابعی از آن که طبق مشاهده مستقیم یکی از پژوهشگران (زهره سهرابی) بیشترین تحرکات قومی را داشته، انتخاب شده‌اند. به‌منظور اجتناب از سوگیری نتایج این پژوهش، نمونه‌ها از زنانی با سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، گرایش‌ها و موقعیت اجتماعی گوناگون انتخاب شده‌اند. در نهایت، با ۲۴ نفر در قالب ۴ گروه ۶ نفره مصاحبه کانونی انجام دادیم و داده‌ها را با نرم افزار اتلس تی‌ای تحلیل و با انتظارات نظری مقاله تطبیق داده و نتیجه‌گیری کردیم.

۷. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در مرحله تحلیل و تفسیر داده‌ها و جهت تدوین نظریه از تحلیل کیفی داده‌ها با نرم افزار اتلس تی‌ای و کدگذاری نظری بهره بردیم. این نرم افزار امکان ایجاد شبکه‌ای از مفاهیم و گزینه‌های وسیعی برای تدوین و ارائه شبکه‌های مفهومی را فراهم می‌آورد (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۹۰-۳۸۸). باید یادآوری کنیم که مطابق روند مخاطب‌پژوهی، تشخیص گفتمان‌های مسلط مستندهای مورد مطالعه را به گروه‌های کانونی واگذار کرده‌ایم. از این جهت، با تکیه بر آرای آنها، گفتمان‌های عرضه‌شده را سنخ‌شناسی و ایده‌های محوری آنها را مفهوم‌پردازی کردیم. با استناد به اظهارات گروه‌های کانونی، برخی از مفروضاتی که تشریح خوانش مرجح مستندها بر پایه آنها انجام شده را مطرح می‌کنیم: مضمون اصلی این مستندها باز پس‌گیری یک هویت است. این مستندها اتکاء به قوای خودی یعنی «ما» را در تقابل با دیگری یعنی «آنها» طبیعی فرض می‌کند تا بتواند با توسل به آن در جهت اعاده هویت کردی با تمام مؤلفه‌هایش هم‌آوردی کند. رفتارها و برخوردهای عرضه‌شونده در برنامه‌های ماهواره شبکه نوروز، پاسخی به وضعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نامطلوبی است که در انتهایش نتیجه‌گیری می‌شود که برای حل آن راه‌حلی به غیر از مبارزه وجود ندارد. به عبارت دیگر، مسئله کرد را به این شکل حل می‌کنند و به مبارزه ادامه می‌دهند. این مستندها سرشار از ایده‌هایی است که با نظام ایدئولوژیک و مردسالار موجود همخوانی ندارد و فضایی از برابری تمام عیار زن و مرد ترسیم می‌کند که توافق با آن مستلزم فروریختن بنیان‌های نظری و تاریخی مردسالاری در جامعه ایران و جامعه کرد ایلامی است.

لازم به ذکر است که در این مطالعه ما تحلیل متن انجام نداده‌ایم، بلکه به‌منظور سازماندهی مباحث مطرح شده،

نقطه نظرات مشترک یا نزدیک به هم از لحاظ معنایی یا موضوعی را در قالب یک مقوله کلی آورده‌ایم. بنابراین نکات اساسی و ایده‌های محوری که خوانش مرجح یا گفتمان مسلط این مستندها را برجسته می‌کند، شامل موارد زیر است:

۱. تقابل و تضاد بین قوای «خودی» و «دیگری». ۲. اولویت مبارزه بر مذاکره. ۳. امحای کلیشه‌های مردسالارانه. در تحلیل زیر چنین کلیشه‌هایی را در خوانش زنان کرد از برنامه نوروز تی وی مورد بحث قرار می‌دهیم تا ببینیم تا چه اندازه زنان کرد با خوانش مرجح بالا توافق دارند. از آنجا که چهار گروه کانونی را مورد مطالعه قرار دادیم، تحلیل زیر را نیز بر اساس شماره گروه‌های کانونی دسته‌بندی کرده‌ایم.

۷-۱. تحلیل خوانش گروه کانونی شماره یک از مستندهای شبکه نوروز

در این بحث گروهی متشکل از شش نفر از زنان ساکن شهر سرابله از توابع ایلام حضور داشتند که دارای کنش فرهنگی قومی بودند؛ لباس کردی می‌پوشیدند، کردی می‌رقصیدند، کردی صحبت می‌کردند و نسبت به هویت کردی حساس بودند. این بحث گروهی ۱۴ آذر ماه سال ۱۳۹۲ برگزار شد. متن گفتگوهای گروه کانونی با این افراد را با استفاده از کد افراد در زیر مورد بحث قرار می‌دهیم.

(کد ۱) که فعال حقوق بشر و حقوق زنان است، بحث را این‌گونه آغاز کرد:

«این گروه‌ها اعم از زن و مرد دارای اهداف عقیدتی و سیاسی هستند و در راستای ارتقای وضعیت کرد تلاش می‌کنند، اما راهش مبارزه مسلحانه نیست».

کد (۶): «درست است که ما این کانال و البته دیگر کانال‌های کردی را می‌بینیم؛ چون کردیم، اما من اصلاً مبارزه زن‌ها را قبول ندارم، زن را چه به این کارها».

کد (۳): «اتفاقاً برعکس، چه اشکالی دارد که زن‌ها در این نقش‌ها ظاهر شوند و برای عقیده‌شان سختی بکشند، مگر می‌شود به راحتی به هدف خاصی رسید؟»

کد (۲): «وقتی فکر می‌کنم که به خاطر هدفی که برای نجات ملت کرد دارند، مثل مردها مبارزه می‌کنند، باعث غرور می‌شود، هرچند نگران شرایط سخت‌شان هستیم».

کد (۵): «بگذارید یه چیزی بگم؛ من وقتی این زن‌ها را می‌بینم، افتخار می‌کنم که مرزهای جنسیتی را کنار زده و به خاطر هویت و هستی‌مان می‌جنگند».

کد (۴): «هر چه باشد به خاطر کردها خود را به خطر می‌اندازند، حضور این زن‌ها به نفع همه است. این زنان به مردها فهمانده‌اند که به اندازه آنها قدرتمندند».

نکته‌ای حائز اهمیت این است که بحث کردگرایی تا حد زیادی پایه ثابت گرایش‌های فردی و شخصی گروه کانونی (۱) و بعضاً مبنای تشخیص تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در آنها است. این امر بدان علت رخ می‌دهد که گستره گفتمانی کردگرایی نه محدود به اشخاص یا موقعیت‌های خاص بلکه به شکلی غیر قابل چشم‌پوشی مماس بر جغرافیای فرهنگی و سیاسی اعضای گروه کانونی (۱) است. زنان این گروه، به‌رغم اینکه جایگاه نسبتاً متفاوتی در ساختار اجتماعی دارند، اما به دلیل آنکه در فضای گفتمانی مشابهی زندگی می‌کنند که در آن کردگرایی و ترسیم مفاهیمی نظیر «ما» و «دیگری» از مفروضات و ایده‌های طبیعی و اولیه زیست جهان خانواده‌ها به شمار می‌رود، سوژگی کتیویته مشابهی دارند. اینک رده‌های قابل تشخیص در این گروه را در ارتباط با مقوله‌های محوری گفتمان مسلط مستندهای جنگی گروه پ.ک.ک. معرفی می‌کنیم:

۱. رده اول زنان گروه کانونی (۱): این زنان مجرد و سن آنها کمتر از سی سال است، دارای سوژگی کتیویته‌ای متشکل از گرایش به شکستن ساختارهای سنتی و گرایش به سمت دیدگاه‌های فمینیستی هستند. تفکر این رده در چهارچوب گفتمان «ما» و «دیگری»، یعنی همان گفتمان مسلط این مستندهاست. این رده حضور زنان در مستندهای مذکور را اقتدار

زن دانسته و خواستار تداوم آن هستند. اما جالب آنکه در متن گفتگوهای شان، بیشتر گفتمان زن‌گرایی رمز‌گشایی شده و گفتمان کرد‌گرایی کمتر رمز‌گشایی شده است.

۲. رده دوم: زنان متأهل بالای چهل سال: پابندی به هویت کردی و تعصب نسبت به آن دارند، پابندی به عرف سنتی که نقش زن ایده‌آل را غیر از یک معارض در راه هویت قومی خویش ترسیم می‌کند و گرایش به رفتارهای هویتی کردی نظیر پوشش و تکلم به زبان کردی، سوپزکتیویته این رده را تشکیل می‌دهد. اعضای این رده، زن ایده‌آل را کسی می‌داند که از دایره زنانگی خارج نشود و به وظایف کلیشه‌ای و تاریخی اش وفادار بماند. این رده از زنان، وجه گفتمانی مسلط مستندها که همان وابستگی هویتی کرد و تأیید مفاهیم «ما» و «دیگری» است را می‌پذیرند اما به نحوه برخورد معارضین زن با این مقوله انتقاد می‌ورزند. در اینجا نیز زن‌گرایی رمز‌گشایی شده است اما حتی در این رمز‌گشایی نیز سنت‌گرایی زنانه بر رویکردهای فمینیستی جدید ارجحیت یافته است.

۲-۲. تحلیل خوانش گروه کانونی شماره دو

بحث‌های گروه کانون که در بین اعضای این گروه انجام شد را می‌توان به‌طور خلاصه به شکل نظرات زیر مرتب کرد:

کد (۱): «تصاویر این زن‌های کرد را که می‌بینیم، گویی از خواب بیدار می‌شوم و از خودم می‌پرسم اینها چگونه محدودیت‌ها را کنار زده و تا اینجا پیش آمده‌اند؟».

کد (۵): «من معتقدم که زن جماعت نباید وارد چنین عرصه‌هایی شود. اینها این کار را می‌کنند که چه اتفاقی بیفتد؟ مثلاً مشکل کردها را به این شکل! حل کنند؟».

کد (۶): «می‌دانم هدف‌شان حل مشکلات کردهاست، ولی نحوه مبارزه‌شان درست نیست. شرایط سخت مخصوص زنان نیست و این زنان در دراز مدت آسیب می‌بینند».

کد (۲): «اینکه به‌عنوان جنگنده وارد چنین صحنه‌هایی می‌شوند، مرا دچار غرور می‌کند، اما هرچه باشد زن‌ها ظرفیت و به درد این کارهای سخت نمی‌خورند».

کد (۳): «بینید، آنها بدون شک به خاطر جامعه کرد مبارزه می‌کنند؛ گرسنگی و تشنگی و خطرات دیگر بر آنها عارض می‌شود، این کارها برای مرد است نه زن».

کد (۴): «من هم معتقدم که باید مبارزه کرد، اما به نظرم زن جماعت نباید دنبال این جور کارها برود. توی این مبارزات خطرات جدی متوجه زنان می‌شود».

همه اعضای این گروه، تحت تأثیر پارادایم کرد‌گرایی توسط مفاهیم «ما» و «دیگری» قرار گرفته و آن را می‌پذیرند، اما در برخورد و یا در راستای تحکیم و تثبیت گفتمان مذکور، روش پیشنهاد شده یا همان جنگ مسلحانه که زنان درگیر آن هستند را، رد می‌کنند. به‌رغم اینکه از نگاه آنان زنان مذکور با توانی برابر با مردان ظاهر می‌شوند، اما هنوز در مورد مقوله برابری زن و مرد که وجه بارزی از مستندها را تشکیل می‌دهد، به توافق نهایی نرسیده‌اند. آنها نیازی به چنین تحریکات خشن و یا عرض اندام‌هایی نظیر آن برای اثبات خود احساس نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند در جامعه به شکل‌های دیگری حضور یابند. از این جهت، فرآیند رمز‌گشایی در بین آن دسته از زنان ایلامی که بالاتر از چهل سال سن دارند، نه تنها مبتنی بر این است که زن‌گرایی سنتی را ارجح می‌دهند، بلکه نقش معارضه‌جویی برای زنان را نیز مذموم می‌شمارند. این نوع رمز‌گشایی با اهداف شبکه نوزدهم‌خوانی نداشته است و برخلاف انتظار این شبکه، زنان ایلامی خوانش مرجح انجام نداده، بلکه خوانش تخلفی انجام داده‌اند.

۳-۲. تحلیل خوانش گروه کانونی شماره سه

اعضای این گروه با وجودی که نسبت به ایرانی بودن خود خرسندند، باز هم تحت تأثیر گفتمان کرد‌گرایی و عناصر

هویتی مربوط به آند. این گروه، گفتمان ایرانیت و کرد بودن را با هم تجربه می کنند و به هر دو عشق می ورزند. آنها با اینکه گفتمان هویتی کردگرایی را زیر مجموعه ای از ایرانی بودن می دانند، نسبت به آن تعصب بیشتری دارند. این گفتگو هم در منزل یکی از اعضای گروه انجام شد. خلاصه نظرات این گروه به شرح زیر است:

کد (۴): «این چه کاریست که زنان پ.ک.ک. انجام می دهند، چه معنی دارد زن اسلحه و آر.پی.جی بر دوش بگذارد و جنگ را انتخاب کند که مثلاً بگوید من توانمندم!».

کد (۱): «وقتی این مستندها را می بینم، خوشحالم که کرد ایرانی ام و ترکیه ای نیستم. من اصلاً روش این زنها را برای ارتقای وضعیت ملت کرد قبول ندارم».

کد (۶): «احساس می کنم یک کرد خوشبختم که مجبور نیستم هویتم را با تفنگ حفظ کنم. این زنها زندگی خود را به خطر می اندازند که چه بشود!».

کد (۵): «به نظرم این یک نوع حضور و تمرین تقویت برای زنان کرد است. من با هدف آنها موافقم. چه اشکال دارد که زنها هم مثل مردها فعالیت کنند؟».

کد (۳): «به نظر من این یک جور خودآزایی است و زنان پ.ک.ک. با این نحوه مبارزه به هدف نمی رسند. و نظامی گری آنان برای کردها هیچ دستاوردی نداشته».

کد (۲): «من برای هویت خودم ارزش قائلم، اما به نظرم مبارزه نظامی زنها دردی را دوا نمی کند. آنها از همه راحتی ها و زیبایی ها خود را محروم ساخته اند».

در (گروه ۳) دو رده اجتماعی در مواجهه با گفتمان مسلط مستندها قابل تشخیص است:

۱. رده اجتماعی اول که اغلب شرکت کنندگان در مصاحبه را شامل می شود، ترکیب بندی هویتی گرایش به زندگی روزمره، برخورد زیبایی شناسانه با زندگی، رفاه و مؤلفه های آن و... دارند. اغلب این زنان، علاوه بر شبکه نوروز، سایر شبکه های کردی و فارسی را نیز می بینند. این رده در چهارچوب گفتمان کردگرایی آمیخته با ایرانیت تفکر و حرکت می کند و عرف محلی و ارزش هایی که برای زن تعریف شده را قبول دارند. این گروه مبارزات نظامی را برای زنان مناسب نمی دانند. همچنین برابری زن و مرد را که در این مستندها عرضه می شود، عرصه ای واقعی از تساوی نمی دانند و به آن زیاد اهمیت نمی دهند.

۲. رده اجتماعی دوم دارای ترکیب بندی هویتی به شکل گرایش به فرهنگ اصیل کردی، حضور برابر زنان و مردان در همه عرصه ها و نیز طرفداری از اقتدار زن است. هرچند نوعی از هم ذات پنداری البته به شکل محدود در بین برخی از اعضای این گروه وجود دارد، اما در مقام عمل مخالف نظامی گری اند و راه های اعتدالی تری جهت هویت خواهی پیشنهاد می کنند. بر این اساس، این دو گروه نیز رمزگشایی تخالفی را انجام می دهند و نشان می دهند که رمزگذاری شبکه نوروز را قبول ندارند و خود مستقلاً از پیام های این شبکه رمزگشایی می کنند.

۴-۷. تحلیل خوانش گروه کانونی شماره چهار

طی گفتگوهایی که با بحث گروهی متمرکز شماره چهار صورت گرفت، تضادها و تشابهات دنیای ذهنی آنان با دنیایی که مستندهای پ.ک.ک. نشان می دهد، ملموس بود.

در ابتدای گفتگو و پس از توضیحات محقق مطالعه، کد (۱) بحث را این گونه آغاز کرد:

«اینکه این گروه از زنان بدون توجه به جنسیت شان راه دیگری را انتخاب می کنند، جالب است. اما من یکی اصلاً توان آنها را ندارم و کار فرهنگی را ترجیح می دهم».

کد (۲): «اینکه زنی بخواهد وارد چنین مبارزاتی شود، باید دل شیر و خیلی جسارت داشته باشد. هرچند مسئله ای که آنها برایش مبارزه می کنند، مهم است».

کد (۳): «من هدف و خط فکری این گروه را قبول دارم، ولی معتقدم که مردها باید به دنبال این نحوه از مبارزه بروند، نه زنها. به نظرم امروزه آنقدر جهان پیشرفت کرده که دیگر نیاز به برداشتن تفنگ نیست؛ بیشتر مسائل با مذاکره حل می‌شوند».

کد (۴): «وقتی می‌بینم که زنان برای آرمانی مقدس این گونه خطر می‌کنند، به عنوان یک زن احساس غرور می‌کنم. اما با توجه به شرایط محل زندگی جنگ نظامی را نمی‌پسندم و معتقدم باید زنان سیاق دیگری را برای این هدف برگزینند».

کد (۵): «به نظرم آرمانی که برایش می‌جنگند، مقدس است. جنگ یک روش است که اشکالی هم ندارد. زن این گونه مبارزه کند، نشانه ظرفیت و قدرت اوست».

کد (۶): «به نظرم این هدف ارزش دارد، اما نه با جنگ مسلحانه، چون زنان برای اثبات حضور نیازی به نبرد نظامی ندارند. در مورد مردها هم ایده آل همین است. به نظر من، این هدف بدون تقلیل یافتن باید به طریق فرهنگی و سیاسی دنبال شود».

از تحلیل گفتگوهای این گروه چنین بر می‌آید که اغلب اعضای گروه کانونی شماره چهار با موقعیت زن مبارز که توسط مستندهای مورد پژوهش به آنها عرضه می‌شود، هم‌ذات‌پنداری نمی‌کنند، و چنانچه در مواردی هم‌ذات‌پنداری اتفاق بیفتد، بسیار آنی و زودگذر بوده و منجر به رفتار مشابه در مصرف‌کننده محلی نمی‌شود. تفکر غالب این گروه در مورد زن معارض، زنی ساختارشکن است که به رفتاری بی‌دست‌آورد ادامه می‌دهد.

بر این اساس می‌توان دو رده مختلف در میان گروه (۴) معرفی کرد:

۱. رده اول، شامل زنان متأهل و عموماً متعلق به طبقه متوسط است. ذهنیت این زنان تحت تأثیر علاقه به خانواده و تلقی از خود به عنوان رکن اصلی آن، گرایش به حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی پذیرفته شده و پایبندی به عرف‌های سنتی است. آنان تلاش زنان برای حفظ هویت را قبول دارند، اما به حضور نظامی و شرایط سخت برای زنان انتقاد می‌کنند.

۲. رده اجتماعی دوم زنان گروه کانونی چهار، شامل یک نفر از اعضای این گروه می‌شود. وی دارای ترکیب‌بندی هویتی مخالفت با عرف سنتی، گرایش به رفتارهای ساختارشکنانه (در پوشش، مقابله و هم‌آوردی با مردان و جز آن) است. این رده خواستار زندگی در فضایی آرمانی و فارغ از تحمیل‌ها و محدودیت‌های فرهنگی است و اعتماد به نفس بالایی برای انجام امور سختی مانند امور نظامی دارد.

در اینجا نیز مشاهده می‌شود که رمزگشایی از پیام‌های شبکه نوروز مبتنی بر جداسازی زنان از جهان مردانه است، به خصوص آنکه برخی از این زنان حتی اصل مبارزات کوهستانی را مضمون می‌دانند و معتقدند که در جهان جدید باید شیوه‌های جدیدی برای تحقق حقوق افراد به کار برود.

۸. نتیجه‌گیری

همان گونه که در بحث نظری ادعا کرده بودیم، در رویکرد مطالعات فرهنگی، مخاطب معنای متون را به شکل منفعل نمی‌پذیرد، بلکه در فرآیند خوانش متن پویا و فعال است. این مخاطب برآیندی از زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و در واقع بافت زمینه‌ای و زیستی خاص خود است. بر این اساس، اغلب گروه‌های مخاطب با خوانش مرجح حاکم بر مستندهای شبکه ماهواره‌ای نوروز وارد گفتگو می‌شوند، ولی معناهای مرجح و ارزش‌های آن را به شکل دیگری که متأثر از زمینه فرهنگی - اجتماعی‌شان است رمزگشایی می‌کنند. گرانگانه گفتمان مسلط مستندهای مورد پژوهش حاضر، عزیمت به سوی فروریختن ساختار موجود و شکستن حصرها و ممنوعیت‌های فرهنگی، حرکت از نقطه انفعال و تحمل به سوی فعالیت‌ها و برنتابی‌هاست. این خوانش، تضادها و تشابهات، دوستی‌ها و دشمنی‌ها، هم‌رنگی و

دوستی با «ما» و تضاد و تقابل با «آنها» را یک جا گردآوری می‌کند. در عین حال، به شکلی ظریف رمزگشایی تخالفی را در زمینه‌هایی نظیر جدا کردن زنان کرد از متن جامعه و تعارضات آشتی‌ناپذیر برمی‌گزیند.

در بخش دوم این پژوهش، تحلیل قرائت‌های زنان مورد مطالعه نشان می‌دهد که اغلب با گفتمان مسلط مستندها وارد گفتگو می‌شوند، اما روند پیشنهادشده برای پیگیری مطالبات هویت‌کردی که مبارزه به شکل مسلحانه است را نمی‌پذیرند. این زنان، تنش‌ها و تلاطمات جاری در مستندها و الزامات سخت‌زندگی برای زن را نمی‌خواهند. برای آنها، معارضین زن نمونه آدم‌هایی هستند که راه غلطی را برای کمک به آرمان گروه خویش برگزیده‌اند. زنان کرد ایلامی، این راه‌ها را طریقت مردانه می‌دانند، یعنی هنوز عمق ذهنیات آنها متأثر از جهان مردانه و سنتی است. نقطه مقابل این رده (گروه اقلیت) با همان گفتمان مسلط با خوانش مرجح رده اول وارد گفتگو و مذاکره می‌شوند، به این گفتمان اعتراضی ندارند و زنان معارض را به همان صورت عرضه‌شده می‌پذیرند و معتقدند که این ساختارهای سنتی جامعه هستند که باید فرو ریزند. این رده چنین می‌خواهند که به آرمان‌های معارضین زن توجه شود، با آنان هم‌ذات‌پنداری کرده و طریقت سخت مسلحانه را رد نمی‌کنند.

باید دانست زنان اقوام مختلف و نیز زنان مورد پژوهش ما، نه به‌عنوان گروهی که در بند تعصبات قومی، زبانی، قبیله‌ای و فرهنگی خود اسیرند، بلکه به‌عنوان کنشگران فرهنگی‌ای هستند که در رابطه با رسانه‌های ماهواره‌ای قومی با دریافت معنا از هویت قومی‌شان می‌توانند بر گفتمان قومی و سیاسی منطقه اثرگذار باشند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان راهکار مطلوبی جهت حل پاره‌ای مسائل و مناقشات گذشته و حال به کار گرفته شود.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که مدیریت مسائل قومی اکنون وارد مرحله جدیدی شده که درک متقابل کلید همزیستی در این مرحله است. اغلب زنان کرد به‌رغم تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای، نسبت به محتوای این تبلیغات رویکرد انتقادی دارند و هنوز هم تعادل را در میان خانواده‌های کرد تنظیم می‌کنند و مانع بزرگی برای خروج فرزندان و دختران‌شان از هنجارهای جامعه کرد و ایران قلمداد می‌شوند. اما لازم به نظر می‌رسد در کنار این کارکرد زنان کرد، تعامل بین مناطق مرکزی و استان‌های مرزی بیشتر صورت بگیرد تا تنوع‌های قومی همچون گذشته نقطه قوت هویت ایرانی باقی بماند. چنین به نظر می‌آید که شبکه‌های ماهواره‌ای بر سر راه هویت ملی و هویت‌کردی قرار گرفته‌اند و سعی دارند هویت کرد را جدا از هویت ایرانی بازسازی کنند. مطالعات ما نشان می‌دهد که مقاومت در برابر چنین هویت‌سازی در حال حاضر از سوی زنان کرد صورت می‌گیرد و مدیریت منطقه‌ای باید بر دو محور تقویت هویت ملی و بازتولید هویت کردی فعالیت کند؛ چرا که بین بقای هویت ایرانی و بقای هویت کردی ارتباط متقابل وجود داشته و دارد. در جهت کاهش فاصله اجتماعی بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی، در سال‌های گذشته فعالیت‌های مناسبی در جهت گسترش بازارهای مرزی و ارتقای سطح درآمد‌های اقتصادی در مناطق کردنشین صورت گرفته که نتایج مثبتی داشته است. شاید وقت آن رسیده که این فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس بزرگتری، از جمله گسترش صنعت گردشگری صورت پذیرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابادری، یوسف علی و عبدالوهاب شهلی بر (۱۳۸۷). مصرف محلی و فرهنگ عامه جهانی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۱۲: ۳۲-۱۱.
۲. استوری، جان (۱۳۸۵). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه حسین پاینده، تهران: نشر آگه.
۳. ال. برگ، بروس (۱۳۸۹). گروه‌های کانونی، ترجمه پروانه سپرده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. الطائی، علی (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
۵. آزادارمکی، تقی و جمال محمدی (۱۳۸۵). زنان و سریال‌های تلویزیونی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۴.
۶. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶). کلمه نهایی، شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران، فصلنامه پژوهش، شماره ۷.
۷. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ گفتمان.
۸. تاملینسون، ج (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۹. جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
۱۰. حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۸). «پیامدهای امنیتی بازداشت رهبر کردهای ترکیه در مناطق کردنشین ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
۱۱. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰). اقلیت‌ها، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۲. رسولی، رضا، فخرالدین معروفی و شیرزاد خوانچه سپهر (۱۳۹۲). هویت فرهنگی قومی در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، شماره ۳ پیاپی ۲۰، تابستان ۱۳۹۲: ۷۱-۱۰۰.
۱۳. سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷). ادراک گروه‌های قومی از تصاویر رسانه‌ای خود، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال اول، شماره ۴: ۱۴۲-۱۱۹.
۱۴. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۵. طبیبی، سیدجمال‌الدین، محمدرضا ملکی، بهرام دلگشایی (۱۳۸۸). تدوین پایان‌نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی، تهران: فردوس.
۱۶. فلیک، اووه (۱۳۹۲). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۷. قادری، حاتم (۱۳۸۶). سوبه‌های هویت، چاپ اول، تهران: شیرازه.
۱۸. کوش، دنی (۱۳۸۲). مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی. مترجم: فریدون وحید. تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). ارزیابی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۰. موکرجی، چاندرا و مایکل شودسون (۱۳۸۸). بازاندیشی در فرهنگ مردم‌پسند، ترجمه شهناز شفیع‌خانی، تهران: سلمان.
۲۱. هال، استوارت (الف ۱۳۸۳). بومی و جهانی: جهانی شدن و قومیت، ترجمه بهزاد برکت، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴.
۲۲. هال، استوارت (ب ۱۳۸۳). هویت‌های قدیم و جدید قومیت‌های قدیم و جدید، ترجمه شهریار وقفی‌پور، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۴.

ب) منابع لاتین

1. Hall, Stuart (1993). The Cultural Studies Reader, Edited by Simon During, London: Routledge.
2. Hall, Stuart (1996). Who Needs 'Identity'? in Stuart Hall and Paul Du Gay, Questions of Cultural Identity, London: SAGE Publications.
3. Hall, Stuart, Dorothy Hobson, Andrew Lowe and Paul Willis (1991). Culture, Media, Language: Working Papers in Cultural Studies, 1972-79, in association with the Centre for Contemporary Cultural Studies University of Birmingham, London: Routledge, reprinted in 2005 by Taylor and Francis.
4. Hudis, Peter (2012) Marx's Concept of the Alternative to Capitalism. Historical Materialism Book Series, Vol. 36, Leiden: Brill.
5. White, Mimi and James Schwoch (2005). Questions of Method in Cultural Studies, Malden: Blackwell Publishing.